



فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی



ظرفیت های حقوقی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در کاهش یا بی اثر کردن حق وتوی شورای امنیت

احمد مؤمنی راد^۱، امیرلهراسبی^۲

۴۰

دوره ۱۵، شماره ۱، پیاپی ۴۰
بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳-۱۱-۰۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴-۰۱-۱۷

صص: ۳۵-۱۹

شابا چاپی: ۵۶۳۷-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی، صحت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

مجمع عمومی سازمان ملل متحد به عنوان یکی از ارکان اصلی این سازمان، نقشی حیاتی در مواجهه با بحران‌ها و تهدیدات جهانی دارد. این نهاد با استفاده از برخی اختیارات قانونی خود می‌تواند در مواقعی که شورای امنیت به دلیل استفاده از حق وتو یا عدم توافق میان اعضای دائم آن، قادر به اتخاذ تصمیمات لازم نیست، وارد عمل شود. یکی از مهم‌ترین ابزارهای مجمع عمومی در این زمینه، قطعنامه «اتحاد برای صلح» است که به عنوان یک راهکار قانونی به مجمع عمومی اجازه می‌دهد تا در مواقع ضروری برای حفظ صلح و امنیت جهانی، تصمیمات خود را اتخاذ کند. این قطعنامه به ویژه در بحران‌هایی که نیاز به مداخله فوری برای جلوگیری از گسترش جنگ یا تهدیدات جهانی وجود دارد، اهمیت پیدا می‌کند. این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است ضمن بررسی اختیارات مجمع عمومی، نتیجه می‌گیرد در صورتی که این اختیارات به طور مؤثر و هماهنگ با دیگر نهادهای سازمان ملل به کار گرفته شود، می‌تواند ابزار ارزشمندی برای غلبه بر حق وتو و برقراری حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باشد.

کلیدواژه‌ها:

اتحاد برای صلح، شورای امنیت، مجمع عمومی، وتو، سازمان ملل، حقوق بشر.

۱. استاد، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). Momenirad@ut.ac.ir.

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی ارس، ایران ایران.



مقدمه و بیان مسأله

اختیارات مجمع عمومی^۱ سازمان ملل متحد برای غلبه بر حق وتو^۲ یکی از جنبه‌های پیچیده و بحث‌برانگیز ساختار سازمان ملل و نقش آن در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. حق وتو به پنج عضو دائمی شورای امنیت^۳ (ایالات متحده، روسیه، چین، بریتانیا و فرانسه) اعطا شده و به آن‌ها این امکان را می‌دهد تا از تصویب هرگونه تصمیم شورای امنیت که مخالف منافع آن‌ها باشد، جلوگیری کنند. این سیستم که هدف اصلی آن تضمین تعادل قدرت در سازمان ملل و جلوگیری از سلطه‌جویی یکجانبه است، در عمل می‌تواند به مانعی برای تصمیم‌گیری مؤثر در مواقع بحرانی به‌ویژه در مواجهه با تهدیدات جهانی تبدیل شود.

در حالی که شورای امنیت مسئولیت اصلی را در حفظ صلح و امنیت جهانی بر عهده دارد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد به‌عنوان یکی از ارکان اصلی این سازمان، اختیارات خاص خود را در زمینه مدیریت بحران‌ها و تهدیدات جهانی داراست. از جمله این اختیارات این است که مجمع عمومی می‌تواند در مواقعی که شورای امنیت به دلیل استفاده از حق وتو از اتخاذ تصمیمات مؤثر ناتوان است، وارد عمل شود. در واقع، مجمع عمومی سازمان ملل متحد از طریق برخی ابزارهای قانونی، نظیر قطعنامه «اتحاد برای صلح»^۴، قادر به غلبه بر محدودیت‌های ایجاد شده توسط حق وتو و اتخاذ تصمیمات مؤثر در بحران‌های بین‌المللی است.

این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا در مواردی که شورای امنیت قادر به انجام وظایف خود به دلیل استفاده از حق وتو نباشد، سازمان ملل نیاز به یک نهاد یا سازوکار جایگزین برای جلوگیری از تهدیدات جهانی دارد. به‌ویژه در بحران‌های جهانی نظیر جنگ‌ها، تهدیدات هسته‌ای یا مسائل مربوط به حقوق بشر، هنگامی که نیاز به مداخله فوری و مؤثر وجود دارد، مجمع عمومی می‌تواند با بهره‌گیری از اختیارات خود نقش فعالی ایفا کند.

نویسندگان در این مقاله در صدد پاسخگویی به این سوالات هستند که اختیارات قانونی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در برابر بن‌بست شورای امنیت چیست؟ چه مکانیزم‌های حقوقی یا سیاسی می‌تواند جایگزین یا محدودکننده استفاده از حق وتو در شرایط اضطراری بین‌المللی باشد؟ در ادامه، ضمن بررسی ساختار و اختیارات شورای امنیت، به بررسی انسداد برخی تصمیمات مهم شورای امنیت به دلیل حق وتوی اعضای دائم، اختیارات مجمع عمومی و نقش آن در برقراری صلح و امنیت بین‌المللی خواهند پرداخت.

۱. پیشینه تحقیق

پژوهش در آثار مرتبط با این حوزه نشان می‌دهد که هم در منابع فارسی و هم انگلیسی، تلاش‌هایی برای تحلیل و ارزیابی نقش مجمع عمومی در مواجهه با سلطه‌گرایی شورای امنیت صورت گرفته است که در اینجا به مهم‌ترین آثار و تحقیقات انجام شده در این زمینه پرداخته می‌شود:

^۱General Assembly
^۲Veto
^۳Permanent Member of Security Council
^۴Uniting for Peace (U4P)



لطفی گما سانی، محسن در سال ۱۳۹۸ در کتاب «اعمال حق و تو در نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل بشر با تأکید بر مناقشه فلسطین» که از انتشارات حقوق یار به چاپ رسید، به بررسی تأثیر حق و تو در موارد نقض جدی حقوق بین‌الملل بشر، با تمرکز ویژه بر مناقشه فلسطین می‌پردازد. نویسنده با تحلیل موارد تاریخی و حقوقی، نقش حق و تو در تسهیل نقض حقوق بشر را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و به اختیارات مجمع عمومی برای جلوگیری از این واقعه تأکید می‌کند.

موسی زاده، رضا و کوهی، ابراهیم در کتاب خود تحت عنوان «حقوق سازمان‌های بین‌المللی: حقوق شورای امنیت» که از انتشارات میزان به چاپ رسید، به بررسی ساختار و عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌پردازد و موضوعاتی مانند حق و تو، اصلاحات شورای امنیت و همچنین اختیارات مجمع عمومی برای جلوگیری از حق و تو را مورد بحث قرار می‌دهد.

یووان، داگلاس. سی. در سال ۲۰۲۴ در مقاله «درک اختیارات مجمع عمومی سازمان ملل در برابر شورای امنیت سازمان ملل: یک تحلیل انتقادی»^۱ به مقایسه اختیارات مجمع عمومی و شورای امنیت می‌پردازد و نقش آن‌ها در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بررسی می‌کند.

لو، وگان و رابرتز، آدام در سال ۲۰۰۸ کتاب «شورای امنیت سازمان ملل و جنگ: سیر تحول اندیشه و عمل از سال ۱۹۴۵» را به چاپ رساندند. این کتاب، مجموعه‌ای از مقالات است که به بررسی نقش شورای امنیت در جنگ‌ها و درگیری‌های بین‌المللی از زمان تأسیس سازمان ملل متحد تا کنون می‌پردازد و موضوعاتی مانند حق و تو و اصلاحات احتمالی آن و همچنین وظایف و اختیارات مجمع عمومی برای جلوگیری از آن را مورد بحث قرار می‌دهد.

۲. شورای امنیت

شورای امنیت سازمان ملل متحد یکی از اصلی‌ترین ارکان این سازمان بین‌المللی است که وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد. این نهاد، به عنوان ابزاری اجرایی و قدرت‌مند، نقش محوری در مدیریت بحران‌های جهانی ایفا می‌کند. از زمان تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، شورای امنیت با برخورداری از اختیارات ویژه‌ای نظیر حق و تو برای پنج عضو دائم خود، توانسته است تأثیر قابل توجهی بر سیاست‌های بین‌المللی بگذارد (Simma et al., 2012: 914). با این حال، این شورا نیز با چالش‌های زیادی نظیر انسداد ناشی از تو و نقدهایی پیرامون ترکیب اعضا و نمایندگی جهانی مواجه است.

شورای امنیت به عنوان یکی از شش رکن اصلی سازمان ملل متحد در نتیجه کنفرانس سانفرانسیسکو و تصویب منشور ملل متحد ایجاد شد (Bailey, 1994: 67). هدف اصلی از تأسیس این نهاد، جلوگیری از وقوع جنگ‌های بزرگ دیگر و ایجاد سازوکاری برای حل و فصل مسالمت‌آمیز منازعات بود. اعضای بنیان‌گذار این سازمان بر این باور بودند که صلح جهانی تنها با مشارکت قدرت‌های بزرگ آن زمان تضمین می‌شود.

^۱Understanding the Powers of the UN General Assembly vs. the UN Security Council: A Critical Analysis
^۲The United Nations Security Council and War: The Evolution of Thought and Practice since 1945

شورای امنیت دارای ۱۵ عضو است: پنج عضو دائم شامل ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، روسیه و چین که دارای حق وتو هستند و ۱۰ عضو غیر دائم که برای دوره‌ای دو ساله توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند (UN Charter, Article 23). ترکیب اعضا به گونه‌ای طراحی شده است که نمایندگی جغرافیایی منصفانه‌ای فراهم شود. این ترکیب اما به دلیل سلطه اعضای دائم و عدم انعکاس قدرت‌های نوظهور مورد نقد قرار گرفته است (Bosco, 2009:112). طبق ماده ۲۴ منشور ملل متحد، شورای امنیت مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد. شورا می‌تواند تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی را شناسایی کرده، تدابیر غیر نظامی مانند تحریم‌های اقتصادی یا دیپلماتیک اتخاذ کند و در موارد ضروری مجوز استفاده از نیروی نظامی تحت فصل هفتم منشور را صادر کند (Chesterman, 2011:45). شورای امنیت از قطعنامه‌ها به عنوان ابزار اصلی خود برای اجرای تصمیمات استفاده می‌کند. این قطعنامه‌ها در صورت تصویب، الزام‌آور بوده و تمامی اعضای سازمان ملل موظف به اجرای آنها هستند (UN Charter, Article 25).

۳. ایجاد حق وتو، هدف و چشم انداز آن

در زمان تشکیل سازمان ملل متحد، تعدادی از دولت‌ها به بهانه ترس از اکثریت متخاصم در شورای امنیت، از عضویت در این نهاد استنکاف ورزیدند. این اقدام منجر به تصور اشتباهی در جامعه بین‌المللی شد مبنی بر اینکه اگر آن دول، عضو نهاد مذکور نشوند، موجب شکست مأموریت سازمان ملل خواهد شد. این تصور نادرست، منجر به مصالحه‌ای در قالب اعطای حق وتو برای پنج عضو دائمی شورای امنیت شد.

حق وتو در حالی در کنفرانس یالتا در ۱۹۴۵ به رسمیت شناخته شد که پیش از آن کنفرانس، اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان بر سر اعمال قاعده اتفاق آرای اعضای دائم، در فرضی که یکی از آنها طرف اختلاف باشند، با همدیگر اختلاف نظر داشتند. در نهایت، ابالات متحده پیشنهاد جدیدی ارائه داد مبنی بر آنکه هر عضو دائم باید از دادن رای در اختلافی که خود در آن طرف دعواست، خودداری ورزد مگر اینکه مضمون تصمیم اجرایی اقدامات قهری علیه آن کشور باشد (ملکشاهی و همکاران، ۱۴۰۱:۱۸۴).

همچنین، نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که هیچ اشاره صریحی به حق وتوی اعضای دائمی شورای امنیت در منشور وجود ندارد. در عوض، ماده ۲۷ (۱) به هر یک از اعضای شورای امنیت یک رأی اختصاص می‌دهد. ماده ۲۷ (۲) مقرر می‌دارد که تصمیمات مربوط به آیین کار شورای امنیت باید با رأی مثبت ۹ عضو اتخاذ شود (یعنی مشمول وتو نیستند). به موجب ماده ۲۷ (۳)، تصمیمات شورای امنیت در مورد کلیه مسائل غیر آیین کار با رأی مثبت ۹ عضو از جمله آرای موافق اعضای دائم اتخاذ می‌شود. رأی متفق القول اعضای دائم به علاوه موافقت چهار عضو غیر دائم لازم است و رأی منفی یک عضو دائم در مورد یک موضوع اساسی منجر به عدم تصویب قطعنامه می‌شود (اگرچه رأی ممتنع یک عضو دائم رأی مخالف تلقی نمی‌شود) (Security Council Resolution 4, 1946). منشور هیچ محدودیتی در مورد تعداد دفعات یا دلیل استفاده از حق وتو را



پیش بینی نکرده است (Melling & Dannette, 2018:289). هانس کلسن معتقد است که بر اساس ماده ۲۷ منشور، در مواردی که شورای امنیت «باید» انجام دهد، رای گیری با اکثریت عددی انجام می شود اما در مواردی که شورای امنیت «می تواند» انجام دهد، رای گیری با اکثریت کیفی انجام می شود که حق وتو صرفاً در مورد دومی قابل تصور است. در این صورت، اعضای دائمی به عنوان ستون اصلی در برقراری نظم و امنیت بین المللی اختیار کامل دارند (Kelsen, 1946:1087). این پنج عضو، با حق وتو جایگاه خود را در شورای امنیت مستحکم کرده و نقش حیاتی را در تصمیم گیری ها به خود اختصاص دادند و با این حق غیر منصفانه توانستند جلوی تصمیم های مهم این نهاد را بگیرند.

۳-۱. بن بست شورای امنیت

شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان یکی از اصلی ترین ارکان حفظ صلح و امنیت جهانی، نقش بسیار مهمی در پیشگیری و حل بحران های بین المللی دارد. اما سازوکار تصمیم گیری در این نهاد، به ویژه حق وتو، همواره مورد انتقاد بوده است. این امتیاز ویژه نه تنها موجب انحصار قدرت در دست تعداد معدودی از کشورها شده، بلکه کارآمدی شورای امنیت را نیز زیر سؤال برده است (UNSC Report, 2020:12). بنابراین، شورای امنیت به استناد منشور سازمان ملل متحد خود را یگانه حافظ صلح و امنیت بین المللی می داند، در حالی که در مواردی نه تنها صلح و امنیت بین المللی کمک نمی نماید، بلکه خود و سازمان ملل متحد از ناقضان اصلی حقوق بشراند (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۶۱).

نماینده نیوزیلند در سازمان ملل متحد، طی سخنانی که مورد توجه محافل بین المللی قرار گرفت، به شدت از حق وتو انتقاد کرد و آن را عامل اصلی ناکارآمدی شورای امنیت دانست (United Nations, 2015). وی تأکید کرد که این امتیاز باعث شده تا کشورهای دارای حق وتو، اغلب منافع ملی خود را بر منافع جمعی جهانی ترجیح دهند. این وضعیت موجب شده تا بسیاری از بحران های جهانی، از جمله جنگ های داخلی، نقض حقوق بشر و تهدیدات زیست محیطی، بدون پاسخ باقی بمانند (Global Policy Forum, 2021:8).

نماینده نیوزیلند در سخنان خود تصریح کرد که این ساختار، شورای امنیت را به نهادی «بی تحرک و اسیر» تبدیل کرده است (United Nations, 2015). وی همچنین پیشنهاد داد که محدودیت هایی بر استفاده از حق وتو اعمال شود، به ویژه در مواردی که موضوعات حیاتی مانند نسل کشی، جرایم جنگی، و نقض شدید حقوق بشر در میان است. به گفته وی، چنین اصلاحاتی می تواند به افزایش مشروعیت و کارآمدی شورای امنیت منجر شود (Global Policy Forum, 2021:14).

پرواضح است که با وجود حق وتوی اعضای دائم، خطر انسداد تصویب قطعنامه های مهم شورای امنیت و متعاقب آن به خطر افتادن صلح و امنیت بین المللی وجود دارد. برای جلوگیری از این بن بست، یا باید ابتکاراتی جهت اصلاح حق وتو صورت بگیرد و یا اختیارات مجمع عمومی گسترش یابد تا در برخی موارد که شورای امنیت به دلیل حق وتو قادر به تصمیم گیری نیست، مجمع وارد شود و مانع از به خطر افتادن صلح و امنیت بین المللی گردد.

۲-۳. ابتکارات اصلاح حق وتو

در طول دهه‌ها، بسیاری از کشورها و مقامات بین‌المللی خواستار اصلاح حق وتو بوده‌اند. این اصلاحات ممکن است شامل تغییر در تعداد کشورهایی که از حق وتو برخوردارند، محدود کردن دامنه استفاده از این حق یا حتی حذف کامل آن باشد. در این راستا، چندین ابتکار برای اصلاح حق وتو در شورای امنیت مطرح شده است.

۲-۳-۱. اصلاحات در ساختار شورای امنیت

یکی از رایج‌ترین پیشنهادات برای اصلاح حق وتو، تغییر در ساختار شورای امنیت و افزایش تعداد کشورهای دائمی است. این کشورها معمولاً پیشنهاد می‌دهند که قدرت‌های نوظهور اقتصادی یا کشورهای با جمعیت زیاد، به عنوان اعضای دائمی به شورا افزوده شوند. کشورهایی مانند هند، ژاپن، و برزیل که از نظر اقتصادی و سیاسی در سطح جهانی اهمیت دارند، خواستار عضویت دائمی در شورای امنیت شده‌اند (Dixon, 2012:163). این پیشنهادات به‌ویژه در واکنش به بحران‌های جهانی مطرح شده است، جایی که کشورهای دائمی نتوانسته‌اند به‌طور مؤثر عمل کنند. با افزودن اعضای دائمی جدید، هدف این است که توازن قدرت جهانی بهتر منعکس شود و کشورهای مختلف دیدگاه‌های خود را در فرایند تصمیم‌گیری شورای امنیت بیان کنند (Schwebel, 1994:52). این پیشنهادات در بسیاری از موارد با مخالفت کشورهای عضو دائمی فعلی مواجه شده است، زیرا همه آن‌ها از وضعیت فعلی و جایگاه خود راضی هستند.

• ۲-۳-۲. محدود کردن استفاده از حق وتو

یکی دیگر از ابتکارات اصلاحی، محدود کردن استفاده از حق وتو در موارد خاص است. این پیشنهاد معمولاً برای جلوگیری از استفاده از حق وتو در مواردی که بحران‌های انسانی یا نقض حقوق بشر رخ می‌دهند، مطرح می‌شود. به‌ویژه پس از بحران‌هایی مانند سوریه و یمن، که شورای امنیت نتوانسته است به‌طور مؤثر وارد عمل شود، پیشنهاد شده که استفاده از حق وتو در مواردی که نقض حقوق بشر یا بحران‌های بشردوستانه رخ می‌دهد، محدود شود (United Nations, 2020). این پیشنهادات بر این باور استوار است که در بحران‌های انسانی، حق وتو نباید مانع اقدام شورای امنیت شود.

برخی از کشورها پیشنهاد داده‌اند که در موارد نقض جدی حقوق بشر، مانند نسل‌کشی، جلوگیری از کشتارهای جمعی یا بحران‌های انسانی، حق وتو نباید قابل استفاده باشد. این پیشنهادات با مخالفت برخی از کشورهای دائمی روبه‌رو بوده است، چرا که آن‌ها معتقدند که این موضوع به تصمیم‌گیری‌های امنیتی حساس آسیب می‌زند و ممکن است مانع از اقدام به‌موقع شود.

• ۲-۳-۳. حذف کامل حق وتو

یکی دیگر از پیشنهادات اصلاحی، حذف کامل حق وتو از شورای امنیت است. این پیشنهاد عمدتاً از سوی کشورهای در حال توسعه مطرح شده است که معتقدند این حق موجب بی‌عدالتی و عدم توازن قدرت در تصمیم‌گیری‌های جهانی می‌شود.



یکی از پرتنش‌ترین ابتکارات اصلاحی، حذف کامل حق وتو از شورای امنیت است. این پیشنهاد عمدتاً از سوی کشورهای در حال توسعه مطرح شده است که معتقدند این حق موجب بی‌عدالتی و عدم توازن قدرت در تصمیم‌گیری‌های جهانی می‌شود. حامیان این ایده می‌گویند که با حذف حق وتو، شورای امنیت می‌تواند به‌طور دموکراتیک‌تر و مؤثرتر عمل کند (Schwebel, 1994:55). در این مدل، هیچ‌کدام از کشورهای دائمی حق وتو نخواهند داشت و تصمیمات باید با اکثریت آراء تصویب شوند. این پیشنهاد به‌ویژه توسط کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که خود را از این سیستم به حاشیه رانده می‌بینند، مطرح شده است. حامیان این ایده معتقدند که از آنجا که ساختار شورای امنیت منعطف و متنا سبب با شرایط امروز نیست، باید این حق از کشورهای دائمی گرفته شود تا تصمیمات شورا به‌طور دموکراتیک‌تر و عادلانه‌تر اتخاذ شود.

• ۳-۲-۴. سیستم دو سطحی

یکی دیگر از مدل‌های اصلاحی، ایجاد سیستم دو سطحی برای تصمیم‌گیری در شورای امنیت است. در این مدل، برخی مسائل جهانی حساس (مانند صلح و امنیت جهانی) نیاز به تصویب با اکثریت ویژه خواهند داشت، در حالی که مسائل دیگر با اکثریت ساده قابل تصویب خواهند بود. این طرح هدفش تسهیل تصمیم‌گیری و افزایش کارایی شورای امنیت در حل بحران‌هاست (Dixon, 2012:170). در این صورت، حق وتو تنها در مسائل حساس‌تر حفظ خواهد شد، اما در موارد دیگر تصمیم‌گیری به‌راحتی و با اکثریت قابل انجام خواهد بود.

اصلاحات حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد یک مسئله پیچیده و چالش‌برانگیز است که نیازمند توجه به توازن قدرت جهانی و خواسته‌های مختلف کشورهای عضو است. اصلاحات مختلف مانند افزایش تعداد اعضای دائمی، محدود کردن استفاده از حق وتو یا حتی حذف آن، هدفشان تقویت عملکرد شورا و توانایی آن در حل بحران‌های جهانی است. هیچ‌کدام از این اصلاحات به‌راحتی قابل اجرا نیستند و نیاز به توافقات گسترده و اجماع بین کشورهای عضو شورای امنیت دارند. در نهایت، اصلاحات در این زمینه باید به گونه‌ای باشد که نه تنها توازن قدرت جهانی را در نظر بگیرد، بلکه توانایی شورای امنیت را برای حل بحران‌ها و حفظ صلح و امنیت جهانی تقویت کند.

۴. جایگاه مجمع عمومی در ساختار سازمان ملل متحد

مجمع عمومی یکی از ارکان اصلی و جهانی‌ترین نهاد در ساختار سازمان ملل متحد است که همه ۱۹۳ کشور عضو سازمان در آن عضویت دارند. این نهاد به‌عنوان یک بدنه مشورتی-قانون‌گذاری غیرالزام‌آور شناخته می‌شود و جلسات سالانه آن، به‌ویژه در ماه سپتامبر، مهم‌ترین تریبون دیپلماتیک جهان تلقی می‌شود. در این مقاله، ترکیب مجمع عمومی، روند تصمیم‌گیری آن و ساختار خاص این فرآیند بررسی می‌شود.

۴-۱. ترکیب مجمع عمومی

مجمع عمومی سازمان ملل متحد از ۱۹۳ کشور عضو تشکیل شده است که هر یک از این کشورها یک نماینده دارند. این نهاد مهم ترین رکن سازمان ملل از نظر دموکراتیک است، چرا که هر یک از کشورهای عضو یک رای برابر دارند. به عبارت دیگر، مجمع عمومی به عنوان نهاد نمایندگی جهانی، تضمین کننده مشارکت تمامی کشورها در امور جهانی است. در واقع، مجمع عمومی برخلاف شورای امنیت که اعضای دائمی و حق وتو دارند، یک نهاد دموکراتیک به شمار می آید که تمام کشورهای عضو آن، صرف نظر از قدرت اقتصادی یا سیاسی، حق یکسانی در فرآیند تصمیم گیری دارند (Weiss, 2013: 95).

برای اینکه مجمع عمومی بتواند به وظایف خود به خوبی عمل کند، ترکیب آن به گونه ای است که تمام کشورهای عضو بتوانند در جلسات آن حضور یابند. به طور معمول، هر کشور یک نماینده به این مجمع می فرستد و در جلسات مجمع، کشورها مسائل مختلف جهانی را مطرح کرده و درباره آنها تبادل نظر می کنند.

۲-۴. روند تصمیم گیری در مجمع عمومی

روند تصمیم گیری در مجمع عمومی به طور معمول بر اساس اصل اکثریت آرا است. برخلاف شورای امنیت که تصمیمات آن تحت تأثیر حق وتو اعضای دائمی است، در مجمع عمومی هر کشور یک رای دارد و اکثریت آرا برای تصویب یک قطعنامه کافی است. با این حال، در بسیاری از موارد، برای تصویب قطعنامه ها یا تصمیمات خاص، نیاز به اکثریت دو سوم آرا وجود دارد. این میزان بالای اجماع برای مسائل مهم جهانی طراحی شده است، به ویژه در مسائلی مانند تصویب بودجه سازمان ملل و انتخاب اعضای ارکان مختلف آن.

روند تصمیم گیری در مجمع عمومی معمولاً به دو صورت انجام می شود: یکی از طریق رای گیری در جلسات عمومی و دیگری از طریق توافقات نهایی که به صورت غیررسمی میان کشورهای عضو صورت می گیرد. در برخی موارد، تصمیمات مجمع عمومی به صورت قطعنامه های غیرالزام آور هستند، اما این قطعنامه ها می توانند بر روند سیاست گذاری جهانی تأثیرگذار باشند (Bajpai, 2009: 125).

در واقع، حتی اگر قطعنامه های مجمع عمومی الزام آور نباشند، تصویب این قطعنامه ها می تواند نشان دهنده اراده جمعی کشورهای عضو در مواجهه با مسائل خاص جهانی باشد. این قطعنامه ها می توانند به عنوان فشار سیاسی به کشورهای مختلف عمل کرده و بر تصمیمات آنها تأثیر بگذارند. در برخی موارد، مجمع عمومی از طریق تصویب قطعنامه ها و تشکیل کنفرانس های بین المللی، راه حل های جدیدی برای مسائل جهانی پیشنهاد می دهد.

روند تصمیم گیری در مجمع عمومی، هر چند که از نظر دموکراتیک و با احترام به برابری آرا طراحی شده است، اما در عمل با چالش های متعددی روبه رو است. یکی از مهم ترین این چالش ها، مشکلات ناشی از اختلافات سیاسی و اقتصادی میان کشورهای عضو است. کشورهای قدرتمند و بزرگ به ویژه از نظر اقتصادی، می توانند در تعیین روند تصمیم گیری ها تأثیرگذار باشند و گاهی اوقات منافع خاص خود را بر منافع جمعی ترجیح دهند. این امر ممکن است منجر به بن بست هایی در تصمیم گیری های مجمع عمومی شود، به ویژه در مسائلی که نیاز به توافق گسترده ای از سوی تمامی کشورها دارند (Thakur, 2011: 167).



علاوه بر این، مجمع عمومی با چالش‌هایی در زمینه هماهنگی میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه روبه‌رو است. برخی از کشورهای در حال توسعه ممکن است به دلیل نداشتن منابع کافی یا عدم تأثیرگذاری سیاسی، نتوانند به‌طور مؤثر در روند تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند. این مشکلات می‌تواند بر کارآمدی مجمع عمومی تأثیرگذار باشد و مانع از دستیابی به اجماع در مسائل حساس و جهانی شود.

۳-۴. ماهیت حقوقی مصوبات مجمع عمومی

مجمع عمومی سازمان ملل متحد به‌عنوان بزرگ‌ترین و جامع‌ترین نهاد در این سازمان، می‌تواند مصوبات و قطعنامه‌هایی را در موضوعات مختلف جهانی اتخاذ کند. از آنجا که کشورهای عضو در مجمع عمومی نمایندگی دارند و اصولی نظیر برابری و دموکراسی در فرآیند تصمیم‌گیری آن حاکم است، اهمیت و تأثیر مصوبات مجمع عمومی در مسائل بین‌المللی بسیار زیاد است. با این حال، یکی از سؤالات مهم این است که آیا مصوبات مجمع عمومی از نظر حقوقی الزام‌آور هستند یا صرفاً به‌عنوان توصیه‌هایی مشورتی به کشورهای عضو در نظر گرفته می‌شوند؟

یکی از ویژگی‌های برجسته مجمع عمومی این است که مصوبات این نهاد الزام‌آور نیستند و به‌طور عمده در قالب توصیه‌هایی مشورتی به کشورهای عضو صادر می‌شوند. این ویژگی موجب می‌شود که مصوبات مجمع عمومی در مقایسه با تصمیمات شورای امنیت، که دارای الزام قانونی برای کشورهای عضو هستند، تأثیر متفاوتی داشته باشد. مجمع عمومی در تصویب قطعنامه‌ها به‌طور کلی به دنبال ایجاد اجماع در مسائل جهانی است و هدف آن راهنمایی و تشویق کشورهای عضو به پیروی از اصول بین‌المللی است، نه تحمیل دستورات الزام‌آور بر آنان (Chesterman, 2001: 98).

با این حال، این به معنای بی‌اثر بودن مصوبات مجمع عمومی نیست. در عمل، بسیاری از تصمیمات این نهاد به‌ویژه در حوزه‌های حقوق بشر، توسعه و صلح، از تأثیرات بزرگی برخوردارند. این تصمیمات می‌توانند بر جامعه جهانی فشار سیاسی وارد کنند و کشورهای عضو را وادار به تطبیق سیاست‌های خود با اصول بین‌المللی کنند.

اگرچه قطعنامه‌های مجمع عمومی از نظر حقوقی الزام‌آور نیستند، اما این مصوبات در عمل می‌توانند تأثیرات گسترده‌ای بر روابط بین‌المللی و اقدامات کشورها داشته باشند. به‌ویژه در زمینه‌هایی که برای جامعه جهانی مهم است، همچون تغییرات اقلیمی، حقوق بشر، و مبارزه با تروریسم، بسیاری از کشورها در قبال این مصوبات از خود حساسیت نشان می‌دهند و سعی می‌کنند از آن‌ها پیروی کنند. در برخی موارد، قطعنامه‌های مجمع عمومی به‌ویژه آن‌هایی که موضوعات جهانی را شامل می‌شوند، به‌طور غیررسمی به‌عنوان راهنمایی برای تصمیم‌گیری‌ها در دیگر ارکان سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی به‌کار گرفته می‌شوند (Hurd, 2007).

۱۳۶

نکته مهم دیگر این است که مجمع عمومی می‌تواند تصمیمات خود را از طریق ایجاد کنفرانس‌ها و اجلاس‌های بین‌المللی به‌طور غیررسمی به اجرا بگذارد. در این موارد، کشورهای عضو ممکن است به‌طور داوطلبانه به اصول تعیین‌شده در این کنفرانس‌ها

متعهد شوند، حتی اگر این تصمیمات الزام آور نباشند. این می تواند به ویژه در زمینه های انسانی و اجتماعی به تأثیرات مثبت در سطح جهانی منجر شود (Finnemore, 2003: 96).

در موارد خاص، مصوبات مجمع عمومی ممکن است از جنبه ای حقوقی الزام آور شوند. برای مثال، برخی از قطعنامه ها و تصمیمات مجمع عمومی ممکن است در قالب کنوانسیون ها و معاهدات بین المللی به تصویب برسند. هنگامی که یک معاهده جهانی توسط کشورهای عضو سازمان ملل به عنوان موافقت نامه های الزام آور پذیرفته می شود، ممکن است اصول یا تصمیمات مجمع عمومی در قالب این معاهدات اجرایی شوند. برای مثال، کنوانسیون های حقوق بشر که مجمع عمومی آن ها را تصویب می کند، پس از پذیرش توسط کشورهای عضو، به عنوان تعهدات قانونی آن کشورها شناخته می شوند (Simma et al., 2012: 155).

همچنین، در برخی موارد که کشورهای عضو خود را به اصول و اهداف خاصی متعهد کرده اند، این مصوبات می توانند به طور غیر سمی الزام آور باشند. به ویژه در زمینه هایی مانند تغییرات اقلیمی، توسعه پایدار، و حقوق بشر، کشورهای عضو سازمان ملل به طور گسترده ای به قطعنامه های مجمع عمومی پاسخ مثبت داده و خود را به آن ها متعهد می سازند.

۵. اختیارات صریح و ضمنی مجمع عمومی سازمان ملل متحد

بر اساس منشور سازمان ملل (مواد ۱۰ تا ۱۷)، مجمع عمومی می تواند درباره هر موضوعی که در حوزه صلاحیت سازمان ملل قرار دارد بحث و بررسی کرده و توصیه هایی به دولت ها یا شورای امنیت ارائه دهد. هرچند تصمیمات آن الزام آور نیست، اما در برخی موارد، مانند صدور قطعنامه های مربوط به صلح و امنیت از طریق قطعنامه ۳۷۷ (اتحاد برای صلح) نقش مهمی ایفا می کند. این رکن دارای اختیاراتی است که در منشور سازمان ملل به صورت صریح مشخص شده اند. علاوه بر این، مجمع عمومی از اختیارات ضمنی نیز برای اجرای وظایف خود بهره می برد.

۵-۱. اختیارات صریح مجمع عمومی

اختیارات صریح مجمع عمومی به وظایفی اشاره دارد که به طور مستقیم در منشور سازمان ملل مشخص شده اند. این اختیارات در فصل چهارم منشور (مواد ۱۰ تا ۱۷) و در برخی مواد دیگر منشور ذکر شده است.

بر اساس ماده ۱۱ منشور، مجمع عمومی می تواند در موضوعات مربوط به صلح و امنیت بین المللی بحث کرده و توصیه هایی به اعضا یا شورای امنیت ارائه دهد. اگرچه این توصیه ها الزام آور نیستند، اما نقش کلیدی در جلب توجه جهانی به مسائل مهم دارند (Simma, 2002: 157).

مطابق ماده ۱۳ منشور، مجمع عمومی مسئولیت ترویج همکاری های بین المللی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوق بشر را بر عهده دارد (UN Charter, Article 13). این ماده زمینه ساز تشکیل نهادهایی مانند کمیسیون حقوق بشر شده است.



مطابق ماده ۱۷ منشور، مسئولیت تصویب بودجه سازمان ملل بر عهده مجمع عمومی است. این ماده بیان می‌دارد که مجمع عمومی هزینه‌های سازمان را بررسی و تصویب می‌کند و بر نحوه تأمین منابع مالی نظارت دارد. این اختیار، امکان مدیریت منابع مالی سازمان و نظارت بر شفافیت مالی را فراهم می‌کند (UN Charter, Article 17). همچنین، بر اساس ماده ۱۸ وظیفه انتخاب اعضای غیردائم شورای امنیت و اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی را بر عهده دارد (UN Charter, Article 18). به علاوه، مطابق ماده ۲۲، مجمع می‌تواند نهادهای فرعی ایجاد کند که در انجام وظایف آن یاری رسانند (کریمی نژاد، ۱۳۹۵: ۸۹).

همچنین، مجمع عمومی نقش مؤثری در تصویب و حمایت از معاهدات بین‌المللی ایفا کرده است. اسنادی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و کنوانسیون‌های مربوط به حقوق کودک و مبارزه با تبعیض نژادی از جمله مهم‌ترین اقدامات در این راستا هستند (Boyle & Chinkin, 2007:260).

۲-۵. اختیارات ضمنی مجمع عمومی

اختیارات ضمنی از تفاسیر منشور و رویه‌های عملی مجمع عمومی ناشی می‌شود. این اختیارات هرچند به‌طور مستقیم در منشور ذکر نشده‌اند، اما از اصول کلی حقوق بین‌الملل و وظایف محوله مجمع ناشی می‌شوند.

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های اختیارات ضمنی، قطعنامه ۳۷۷ موسوم به "اتحاد برای صلح" است. این قطعنامه به مجمع عمومی اجازه می‌دهد که در شرایطی که شورای امنیت به دلیل وتوی اعضای دائمی قادر به اقدام نیست، مسائل مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی را بررسی کرده و اقدامات لازم را توصیه کند. این قطعنامه در مواردی مانند بحران کانال سوئز (۱۹۵۶) و بحران سوریه (۲۰۱۲) به کار گرفته شده است (Hernandez, 2014:192).

مجمع عمومی در موارد خاص اقدام به تأسیس نهادهایی فراتر از وظایف صریح خود کرده است، مانند دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا. این نهادها با تأیید مجمع عمومی و با هدف اجرای عدالت در موارد جنایات بین‌المللی ایجاد شده‌اند (Simma, 2002:170).

اگرچه اعمال تحریم‌های بین‌المللی به‌طور خاص از وظایف شورای امنیت است، اما مجمع عمومی در مواردی که شورای امنیت به توافق نمی‌رسد، نقش فعالی ایفا کرده است. نمونه‌هایی از این نقش شامل تحریم رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی است. همچنین، مجمع عمومی نقش محوری در آغاز و پیشنهاد اصلاحات منشور دارد. هرچند تأیید نهایی اصلاحات مستلزم پذیرش اعضای دائمی شورای امنیت است، اما پیشنهادات اولیه از سوی مجمع مطرح می‌شوند (Simma, 2002:174).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد با بهره‌گیری از اختیارات صریح و ضمنی خود، نقش کلیدی در تحقق اهداف منشور سازمان ملل ایفا می‌کند. اگرچه این نهاد با محدودیت‌هایی روبه‌روست، اما از طریق ابزارهای مختلف توانسته است بر مشکلات ساختاری

غلبه کند و تأثیری ماندگار در نظام حقوق بین الملل برجای بگذارد. تقویت اختیارات و جایگاه مجمع عمومی می تواند گامی مهم در بهبود کارایی سازمان ملل باشد.

۶. اختیارات مجمع عمومی در برقراری صلح و امنیت بین المللی

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای بین المللی، همواره نقش محوری در روندهای مربوط به صلح و امنیت جهانی ایفا کرده است. اگرچه شورای امنیت به عنوان رکن اصلی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی طراحی شد اما طی حیات سازمان ملل متحد بسیار اتفاق افتاده است که شورا بنا بر دلایلی نتواند تصمیمات موثری اتخاذ کند، در این صورت است که مجمع عمومی، که وظیفه پاسداری از صلح و امنیت بین المللی را بر عهده دارد، وارد عمل می شود.

از طرفی، جنایات فجیع، از جمله نسل کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین المللی محسوب می شوند. سازمان ملل متحد به عنوان نهادی بین المللی، مسئولیت دارد تا از وقوع چنین جنایاتی جلوگیری کرده و در صورت وقوع، به آن ها پاسخ مناسب دهد. در حالی که شورای امنیت سازمان ملل به دلیل اختیارات گسترده اش در حفظ صلح و امنیت بین المللی، نقش برجسته ای در این زمینه دارد، مجمع عمومی نیز می تواند در شرایطی که شورای امنیت به دلیل استفاده از حق وتو یا دلایل دیگر قادر به اقدام مؤثر نیست، نقشی حیاتی ایفا کند.

مجمع عمومی در طول تاریخ خود، در مواجهه با جنایات فجیع، اقداماتی نظیر تأسیس عملیات های حفظ صلح، ایجاد کمیسیون های تحقیق، درخواست نظرات مشورتی از دیوان بین المللی دادگستری و توصیه به اعمال تحریم های اقتصادی و دیپلماتیک را انجام داده است. به عنوان مثال، در بحران سوئز در سال ۱۹۵۶، مجمع عمومی با استفاده از اختیارات خود بر اساس قطعنامه «اتحاد برای صلح»، نیروی اضطراری سازمان ملل را برای نظارت بر آتش بس و جداسازی نیروهای متخاصم تأسیس کرد (UNSC Resolution 119, 1956).

همچنین، در مواردی مانند آپارتاید در آفریقای جنوبی، مجمع عمومی با تصویب قطعنامه هایی، رژیم آپارتاید را محکوم کرده و از اعضای سازمان ملل خواستار اعمال تحریم های اقتصادی و دیپلماتیک علیه دولت آفریقای جنوبی شد (Barber, 2022:16).

این اقدامات نشان دهنده توانایی مجمع عمومی در بسیج جامعه بین المللی برای مقابله با جنایات فجیع است. علاوه بر این، صلاحیت مجمع عمومی در برقراری صلح و امنیت بین المللی در کنفرانس سانفرانسیسکو بحث هایی را میان دولت های کوچک و ابر قدرت ها به وجود آورد. این بحث ها به این خاطر بود که در کنفرانس دامبارتن اکس دولت های بزرگ قدرت چندانی برای مجمع عمومی قائل نشده بودند و به همین دلیل در سانفرانسیسکو دولت های کوچک تر بر این عقیده بودند که نبایستی تمامی قدرت ها در شورای امنیت متمرکز شود (رجب زاده، ۱۵:۱۴۰۰). بر همین اساس، طبق ماده ۱۰ منشور، مجمع عمومی می تواند هر مسئله ای را که درباره هر یک از موضوعات مندرج در منشور باشد مورد بحث قرار دهد و به اعضای سازمان ملل یه به شورای امنیت یا به هر دو توصیه هایی نماید (UN Charter, Article 10).



بنابراین، امروزه علاوه بر شورای امنیت، مجمع عمومی نیز یک مرکز جهانی برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد. درست است که مجمع عمومی نمی‌تواند در مسائل مربوط به صلاحیت شورای امنیت مداخله کند اما اگر شورای امنیت به علت وتوی یکی از اعضای دائم، نتواند به وظایف خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی عمل کند، مجمع عمومی مطابق با قطعنامه «اتحاد برای صلح» می‌تواند وارد عمل شده و به این مسئله رسیدگی کند.

۷. نقش قطعنامه اتحاد برای صلح در حل مسائل مربوط به وتو

قطعنامه ۳۷۷ A(V) یا همان «اتحاد برای صلح»، یکی از مهم‌ترین و جنجالی‌ترین قطعنامه‌هایی است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ خود تصویب کرده است. این قطعنامه در ۲۳ نوامبر ۱۹۵۰ به تصویب رسید و به مجمع عمومی این اختیار را می‌دهد که در مواقعی که شورای امنیت به دلیل عدم اجماع یا استفاده از حق وتو قادر به انجام اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت جهانی نباشد، به‌طور مستقیم وارد عمل شود. هدف اصلی این قطعنامه، حل مشکلات جهانی در زمانی بود که قدرت‌های بزرگ به‌ویژه اعضای دائم شورای امنیت از حق وتو برای جلوگیری از اقدامات جمعی استفاده می‌کردند (UNGA, 1950:2).

در دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰، یکی از مشکلات اساسی سازمان ملل متحد و به‌ویژه شورای امنیت، استفاده مکرر کشورهای بزرگ از حق وتو بود. اعضای دائم شورای امنیت از این حق برای جلوگیری از تصمیمات مهم که می‌توانستند بر صلح جهانی تأثیر بگذارند، بهره‌برداری می‌کردند. این مسئله به‌ویژه در بحران‌های مختلف جهانی مانند جنگ کره در سال ۱۹۵۰ نمود پیدا کرد. زمانی که جنگ کره آغاز شد، شورای امنیت نتوانست به‌خاطر ممانعت اتحاد جماهیر شوروی، که از حق وتو خود استفاده کرد، اقدامات موثری اتخاذ کند (Daws, 1996:45).

در چنین شرایطی، کشورهای عضو سازمان ملل احساس کردند که اگر مجمع عمومی سازمان ملل قادر به اقدام در مواقع بحرانی نباشد، کارکرد این سازمان به شدت محدود خواهد شد. قطعنامه «اتحاد برای صلح» پاسخی به این نیاز بود و به مجمع عمومی اجازه داد که در موارد خاصی اقداماتی برای حفظ صلح انجام دهد، حتی زمانی که شورای امنیت به‌خاطر استفاده از حق وتو قادر به انجام چنین اقداماتی نباشد (Luck, 2003:102).

قطعنامه اتحاد برای صلح همچنین تصریح می‌کند که در صورتی که شورای امنیت در اتخاذ تصمیمات لازم برای حفظ صلح و امنیت جهانی ناتوان باشد، مجمع عمومی سازمان ملل می‌تواند وارد عمل شود. این تصمیم‌گیری تنها زمانی مجاز است که شورای امنیت نتواند به دلیل اختلافات میان اعضای دائم خود، اقدامات موثری برای مقابله با تهدیدات امنیتی انجام دهد. بر اساس این قطعنامه، مجمع عمومی می‌تواند با توجه به وضعیت تهدیدات جهانی، به‌طور موقت و به‌عنوان یک راهکار جایگزین، راه‌حلی برای بحران‌های جهانی پیشنهاد کند (UNGA, 1950:3).

از طرفی، قطعنامه اتحاد برای صلح بر اساس منشور ملل متحد، به‌ویژه مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۴، تصویب شد. این مواد به مجمع عمومی اجازه می‌دهند تا در مورد مسائل مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی بحث کرده و توصیه‌هایی ارائه کند. هرچند ماده ۱۲

منشور محدودیت‌هایی برای اقدام مجمع عمومی در صورت رسیدگی شورای امنیت به موضوعات خاص قائل شده است، قطعنامه ۳۷۷ این محدودیت را با تأکید بر ضرورت اقدام در شرایط اضطراری و شکست شورای امنیت توجیه می‌کند (Brierly, ۱۹۶۳:۲۱۶).

این قطعنامه مزایایی را به همراه دارد از جمله جلوگیری از فلج شدن سازمان ملل که بدین معناست که این قطعنامه تضمین می‌کند که سازمان ملل حتی در شرایط سیاسی پیچیده قادر به انجام وظایف خود باشد (Lowe et al., 2008:145). به علاوه، این قطعنامه، مجمع عمومی را به عنوان یک نهاد نماینده‌تر و دموکراتیک‌تر معرفی می‌کند که می‌تواند در موارد اضطراری تصمیم‌گیری کند (Fassbender, 2001:93).

در رابطه با انتقادات مطرح شده راجع به این قطعنامه، برخی استدلال می‌کنند که قطعنامه ۳۷۷ با ماده ۱۲ منشور که اختیارات شورای امنیت را محدود می‌کند، در تعارض است. با این حال، حامیان قطعنامه تأکید می‌کنند که این قطعنامه یک ابزار تکمیلی است و تنها زمانی اعمال می‌شود که شورای امنیت ناتوان از اقدام باشد (Brierly, 1963:218). همچنین، آنها معتقدند که تصمیمات مجمع عمومی عمدتاً توصیه‌ای هستند و الزام‌آور نیستند. اما این موضوع از اهمیت سیاسی و اخلاقی این تصمیمات نمی‌کاهد. تصمیمات مجمع عمومی می‌توانند فشار بین‌المللی برای اقدام جمعی ایجاد کنند (Lowe et al., 2008:150).

در نهایت، قطعنامه اتحاد برای صلح نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری نظام ملل متحد در مواجهه با چالش‌های عملی و سیاسی است. این قطعنامه به مجمع عمومی اجازه می‌دهد تا در شرایط بحرانی، که شورای امنیت قادر به اقدام نیست، به طور فعال وارد عمل شود. استفاده موفق از این قطعنامه در موارد مختلف، از جمله بحران سوئز و آپارتاید، نشان‌دهنده کارآمدی و ضرورت آن است. در دنیای کنونی، که تنش‌های سیاسی و استفاده از حق وتو می‌تواند مانعی برای اقدام جمعی باشند، قطعنامه ۳۷۷ همچنان یک ابزار حیاتی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باقی می‌ماند.

نتیجه‌گیری

اختیارات مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای غلبه بر حق وتو یکی از جنبه‌های مهم و پیچیده ساختار این سازمان است. حق وتو که به پنج عضو دائمی شورای امنیت اعطا شده است، به آن‌ها این امکان را می‌دهد که در صورت مخالفت با هر تصمیم، آن را مسدود کنند. این سیستم به‌ویژه در مواقع بحران و هنگام تصمیم‌گیری در مسائل حساس بین‌المللی، می‌تواند به مانعی جدی برای عمل‌گرایی و تصمیم‌گیری‌های مؤثر تبدیل شود. در همین راستا، مجمع عمومی سازمان ملل با استفاده از برخی اختیارات خاص خود، می‌تواند در مواردی که شورای امنیت قادر به اتخاذ تصمیمات لازم نیست، به مداخله بپردازد.

یکی از مهم‌ترین ابزارهای مجمع عمومی برای غلبه بر حق وتو، قطعنامه «اتحاد برای صلح» است که در سال ۱۹۵۰ تصویب شد. طبق این قطعنامه، مجمع عمومی می‌تواند در مواقعی که شورای امنیت به دلیل استفاده از حق وتو قادر به انجام اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت جهانی نیست، خود اقداماتی را برای برقراری صلح انجام دهد. این قطعنامه به مجمع عمومی این امکان را می‌دهد که با تصمیم‌گیری و تصویب قطعنامه‌هایی، کشورها را به همکاری برای حفظ صلح فراخواند.



به‌طور کلی، اختیارات مجمع عمومی برای غلبه بر حق وتو، در صورتی که به‌طور مؤثر و هماهنگ با دیگر نهادهای سازمان ملل به کار گرفته شود، می‌تواند ابزاری ارز شمند در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باشد. با این حال، برای افزایش کارایی این اختیارات، نیاز است تا سازوکارهای اجرایی و حمایت‌های بین‌المللی از تصمیمات مجمع عمومی تقویت شود. مجمع عمومی باید در راستای تقویت توانایی‌های خود برای مقابله با بحران‌ها و مسائل بین‌المللی به گونه‌ای عمل کند که تصمیمات آن از توان اجرایی بیشتری برخوردار شوند و بتوانند تأثیرات مثبت و مستمر بر صلح و امنیت جهانی داشته باشند.

در نهایت، هرچند حق وتو ابزار قدرتمندی است که اعضای دائم شورای امنیت برای اعمال اراده خود در مسائل جهانی استفاده می‌کنند، اما مجمع عمومی می‌تواند با استفاده از اختیارات قانونی خود و با جلب حمایت کشورهای عضو، به‌عنوان یک ابزار مکمل در روند تصمیم‌گیری‌های جهانی عمل کند. برای تحقق این هدف، اصلاحات در نظام سازمان ملل و تقویت اختیارات اجرایی مجمع عمومی می‌تواند مسیر مناسبی برای غلبه بر چالش‌های موجود در نظام بین‌المللی و ارتقای کارایی این نهاد باشد.



فهرست منابع؛

۱. علیزاده، حمید؛ نیکخواه سرتقی، رضا؛ جوادی، محمد حسن؛ و اصفهانی، سید حسام. (۱۴۰۳). شورای امنیت: از تقابل حافظان صلح و امنیت بین‌المللی تا ناقضان حقوق بشر. مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۳(۳)، ۶۱-۷۸.
۲. رجب‌زاده، آرام. (۱۴۰۰). نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در استقرار صلح با تأکید بر قطعنامه اتحاد برای صلح. مقالات سومین کنفرانس بین‌المللی صلح‌پژوهی.
۳. کریمی‌نژاد، مرتضی. (۱۳۹۵). نقش مجمع عمومی در نظام ملل متحد. تهران: نشر میزان.
۴. لطفی گمسانتی، محسن. (۱۳۹۸). اعمال حق وتو در نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل بشر با تأکید بر مناقشه فلسطین. تهران: انتشارات حقوق یار.
۵. ملک‌شاهی، حسن؛ آزادبخت، فرهاد؛ و غضنفری، هوشنگ. (۱۴۰۱). مدل‌های حقوقی حاکمیت قانون با تمرکز بر حق وتو اعضای دائم شورای امنیت. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۹(۲)، ۱۷۹-۱۹۴. <https://doi.org/10.22034/ij.sj.2022.306003.1609194-179>.
۶. موسی‌زاده، رضا؛ و کوهی، ابراهیم. (۱۳۸۹). حقوق سازمان‌های بین‌المللی: حقوق شورای امنیت. تهران: انتشارات میزان.
۱. Bailey, Sydney Dawson. (1994). *The procedure of the UN Security Council*. Clarendon Press.
۲. Bajpai, Kanti. (2009). *The United Nations and its work: Reform, democracy, and accountability*. Oxford University Press, pp. 125-130.
۳. Barber, Richard J. (2022). *The powers of the UN General Assembly to prevent and respond to atrocity crimes*. The University of Queensland.
۴. Bosco, David. (2009). *Five to rule them all: The UN Security Council and the making of the modern world*. Oxford University Press.
۵. Boyle, Alan, & Chinkin, Christine. (2007). *The making of international law*. Oxford University Press.
۶. Briery, James Leslie. (1963). *The law of nations: An introduction to the international law of peace*. Oxford University Press.
۷. Chesterman, Simon. (2011). *Legality vs. legitimacy: Humanitarian intervention, the Security Council, and the rule of law*. *Security Dialogue*, 31(2), 143-157.
۸. Daws, Sam. (1996). *The United Nations and the Security Council*. Oxford University Press.
۹. Daws, Sam. (2015). *The limits of the UN Security Council and the power of the veto*. Oxford University Press, p. 102.
۱۰. Dixon, Martin. (2012). *International law*. Oxford University Press.
۱۱. Fassbender, Bardo. (2001). *The role of the General Assembly in addressing threats to the peace*. *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, 5, 61-93.
۱۲. Finnemore, Martha. (2003). *The United Nations and global governance: A global history*. Cambridge University Press, pp. 96-98.
۱۳. Global Policy Forum. (2021). *The power of veto: Challenges and reforms*. Retrieved from <https://www.globalpolicy.org>
۱۴. Hernandez, Gleider I. (2014). *The International Court of Justice and the judicial function*. Oxford University Press.
۱۵. Hurd, Ian. (2007). *The United Nations: A critical history*. Polity Press, pp. 136-138.
۱۶. Kel sen, Hans. (1946). *Organization and procedure of the Security Council of the United Nations*. *Harvard Law Review*, 59(7), 1087-1111.
۱۷. Luck, Edward C. (2003). *The United Nations and the politics of humanitarian intervention*. Cambridge University Press.



۱۸. Lowe, Vaughan, Roberts, Adam Welsh, Jennifer, & Zaum Donini k. (۲۰۰۸). *The United Nations Security Council and war: The evolution of thought and practice since ۱۹۴۵*. Oxford University Press.
۱۹. Melling, Graham & Dennett, Alex. (۲۰۱۸). *The Security Council veto and Syria: Responding to mass atrocities through the 'Uniting for Peace' resolution*. *Indian Journal of International Law* ۵۷. <https://doi.org/10.1007/s۴۰۹۰۱-۰۱۸-۰۰۸۴-۹>
۲۰. Schwebel, Stephen. (۱۹۹۴). *The United Nations: A commentary on the Charter*. Cambridge University Press.
۲۱. Simma, Bruno. (۲۰۰۲). *The Charter of the United Nations: A commentary* (۲nd ed.). Oxford University Press.
۲۲. Simma, Bruno, Khan, Daniel Erasmus, Nolte, Georg, & Paulus, Andreas (Eds.). (۲۰۱۲). *The Charter of the United Nations: A commentary* (۳rd ed.). Oxford University Press.
۲۳. Thakur, Ranesh. (۲۰۱۱). *The United Nations and the promotion of human rights: A global history*. Cambridge University Press, p. ۱۶۷.
۲۴. United Nations. (۱۹۴۵). *Charter of the United Nations*. Retrieved from <https://www.un.org>
۲۵. United Nations. (۲۰۱۵). *General Assembly discussions on veto power*. Retrieved from <https://www.un.org>
۲۶. United Nations. (۲۰۲۰). *Security Council veto and reform*. Retrieved from <https://www.un.org/securitycouncil/veto-reform>
۲۷. United Nations General Assembly. (۱۹۵۰). *Resolution ۳۷۷ A(V) "Uniting for Peace"*.
۲۸. Weiss, Thomas G. (۲۰۱۳). *Humanitarian intervention: Ideas in action*. Polity Press, pp. ۹۵-۹۷.
۲۹. Youvan, Douglas C. (۲۰۲۴). *Understanding the Powers of the UN General Assembly vs. the UN Security Council: A Critical Analysis of Peacekeeping and Use of Force*. <https://doi.org/10.1۳۱۴۰/RG.۲۰۲۴.۱۷۴۷۱.۷۳۱۲۳>